

نفت و تغییرات اقتصادی - اجتماعی شهر باکو

سجاد حسینی^۱

جعفر آقازاده^۲

چکیده: بعد از به کارگیری ماشین بخار و انقلاب صنعتی، تحولی سریع و رو به پیش در اقتصاد جهانی به وقوع پیوست، صنایع دستی جای خود را به صنایع ماشینی داد، تولیدات صنعتی اروپا جای صنایع دستی کشورهای سنتی آسیا و آفریقا را گرفت و اسباب وابستگی کشورهای اخیر را به اقتصاد جهانی با محوریت اروپا فراهم نمود. کشف نفت و توسعه صنایع وابسته به آن، که برای نخستین بار از آمریکا آغاز گردید، و در قرار داشتن انحصار روش‌های بهره‌برداری از این صنایع در دست اروپا و آمریکا، روند توسعه هر چه بیش‌تر صنعتی آمریکا و اروپا و در نتیجه تسلط آن‌ها بر کشورهای توسعه نیافته را تسریع نمود. کشف نفت، تغییرات مهمی نیز در روند تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای نفت خیز ایجاد و بافت سنتی این جوامع را دگرگون کرد.

به نظر می‌رسد پیشرفت و توسعه صنعت نفت باکو در سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی، ابعاد مختلف حیات اجتماعی و اقتصادی این شهر را متأثر نموده باشد؛ روند دگرگونی‌ای که سریع و به شکل یک تغییر بوده است.

در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، و تبیین داده‌های آماری، نشان داده شده که اکتشاف و شکل‌گیری صنایع نفتی، تأثیر بارزی بر تغییرات اقتصادی و اجتماعی شهر باکو، نظیر ظهور طبقات جدید، دگرگونی‌های قومی و جمعیتی، و تحرکات اجتماعی طبقه‌ی کارگری داشته است. سرعت موجود در پیشرفت صنایع نفتی، روند تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باکو را نیز شتاب بخشید و این تغییرات، باکو را به یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شهرهای جهان شرق در اوایل سده ۲۰ میلادی مبدل ساخت.

واژه‌های کلیدی: باکو، صنعت نفت، ثروت، تغییرات اقتصادی - اجتماعی، طبقه‌ی کارگر

۱ دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان sajjad_hoseani@yahoo.com

۲ دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان j.agazadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۷، تاریخ تأیید: ۹۰/۵/۱۵

Oil and Economic - Social Changes in Baku

Sajjad Hoseini¹

Ja'afar Aghazadeh²

Abstract: After industrial revolution and making use of steam engine, a rapid progressive change occurred in the world's economy, handy industries were superseded by mechanical ones, the handy industries of Asian and African countries were replaced by the European industrial productions and this caused such countries' dependence on the global economy with the centrality of European countries. Oil discovery and the development of its relevant industries, which first began in the U.S, and the monopoly of these industries' exploitation in the hands of the U.S and European countries accelerated the industrial development process of U.S and European countries and as a result, their domination over underdeveloped countries. The oil discovery, also, made significant changes in the procedure of political, economic and social changes of oil-exporting countries and changed the traditional atmosphere of these societies.

It seems that the development of oil industry of Baku in 19th and 20th centuries has changed social and economic aspects of this city, and these changes have rapidly happened.

In the current study, using descriptive-analytical method and accounting for statistical data, it has been indicated that the oil discovery and the establishment of oil industries have greatly influenced the social and economic changes of Baku including the emergence of new classes, the changes in races and population and the social movements in the working class. The speed of oil industries' development has accelerated political, social and cultural changes of Baku and these changes have made Baku one of the most important and influent cities of the Eastern world in the early 20th century.

Key Words: Baku, Oil Industry, Wealth, Economic - Social Changes, Working Class

1 Ph.D Candidate of History, Isfahan University

2 Ph.D Candidate of History, Isfahan University

مقدمه

ثروت از جمله عاملی است که زمینه‌ی رونق فرهنگی و اجتماعی هر شهری را فراهم می‌آورد. در حقیقت، ثروت از مهم‌ترین محرکه‌های بهبود اوضاع فرهنگی و اجتماعی شهرها محسوب می‌گردد و شهرهای فقیر و کم درآمد، در این خصوص شانس کم‌تری دارند.

پیشرفت‌های صنعت نفت باکو در اواخر سده‌ی ۱۹ و اوایل سده‌ی ۲۰ میلادی، شتاب‌زده و سریع بود. شتاب موجود در این تغییرات، حتی برای ساکنان شهر نیز ملموس بود و آن‌ها هر لحظه باکو را به شکلی متفاوت از شکل پیشین می‌دیدند. این دگرگونی‌ها تنها در قالب اقتصاد باکو باقی نماند و به زودی موجب دگرگونی در سایر بخش‌ها نیز گردید. عرصه‌ی اجتماع، نخستین تأثیر را از تغییرات اقتصادی دریافت کرد و جامعه‌ی باکو به زودی، مجموعه‌ای از دگرگونی‌ها را تجربه نمود.

به مرور، همه چیز در باکو رنگ و بوی نفت به خود گرفت: طبقه‌ی نوظهور ثروتمندان این شهر از پول نفت تغذیه می‌شدند. اشتغال‌زایی فراوان صنایع نفت، باکو را به مقصد مهاجرت بسیاری از افراد جویای کار در قفقاز، روسیه و ایران تبدیل کرده بود. طبقه‌ی کارگر صنعت نفت باکو در جنبش‌های کارگری اوایل سده‌ی ۲۰ میلادی نقش آفرینی می‌کرد. در یک کلام، تاریخ معاصر شهر باکو با تاریخ نفت در هم تنیده شده است، به گونه‌ای که جدا ساختن این دو از یکدیگر غیر ممکن می‌نماید.

تا کنون، مسئله‌ی کشف نفت، به عنوان کلید و عامل تغییرات اجتماعی - اقتصادی شهر باکو در اواخر سده‌ی ۱۹ و اوایل سده‌ی ۲۰ میلادی مورد پژوهش جدی قرار نگرفته است. این مقاله، از یک سو به دلیل خلاء پژوهش در این حوزه، و از سوی دیگر، بنابر تأثیر رشد اقتصادی و ثروت بر دیگر حوزه‌های زندگی، از جمله اجتماع و اقتصاد، اهمیت دارد. به علاوه، الگوی پژوهش حاضر می‌تواند برای بررسی تأثیر نفت بر حیات اجتماعی شهر نفتی آبادان در ایران، نیز مورد استفاده قرار گیرد.

مزیت‌های جغرافیایی باکو

شرایط جغرافیایی، سعادت و نیک‌بختی شهر باکو را رقم زده است. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های جغرافیایی این شهر، قرار گرفتن آن در ساحل دریاچه‌ی مازندران است. این دریا، چندین منطقه‌ی مهم دنیا را، چون ایران، قفقاز، روسیه و ماوراءالنهر، به یکدیگر پیوند می‌دهد. از این رو،

مجاورت و نزدیکی به آب‌های آن، موجب رونق و آبادانی هر بندری می‌شود؛ به طوری که باکو در سده ۱۹ میلادی از مهم‌ترین بندرهای تجاری دریای مازندران محسوب می‌گشت.^۱ هم‌جواری با دریا، برای ساکنان شهر باکو، مزایای دیگر نیز داشت، که از آن جمله می‌توان به امکان فعالیت در عرصه‌ی شیلات اشاره نمود. دارا بودن ذخائر نفت موهبت دیگری بود که باکو از آن سود می‌جست. منابع و معادن سرشار نفت این منطقه از گذشته‌های دور زبان زد خاص و عام بوده است. حتی برخی وجه تسمیه‌ی باکو را با ثروت بی‌کران نفت و گاز آن مرتبط می‌دانند. بر این اساس، مفاهیمی چون «منبع آتش»، «خاک مقدس»، «شهر آتش‌پرستان»، «مسکن خدایان و قدیسین»، از واژه‌ی «باقاوان» و یا «باقوان» استنباط می‌گردد.^۲

اصطخری در سده‌ی چهارم هجری قمری، از وجود «معدن نفت سبز و سپید» در باکو خبر می‌دهد.^۳ مسعودی مورخ هم‌عصر وی، از باکو با عنوان «دیار نفت» یاد می‌کند.^۴ گزارش‌های موجود در حدود العالم مربوط به سده‌ی چهارم هجری قمری نیز این حقیقت را به وضوح هویدا می‌سازد.^۵

نفت باکو در دوره‌ی صفوی، علاوه بر درآمدزایی برای دولت، از لحاظ نظامی نیز کاربرد داشت: «نفت سالانه هفت هزار تومان برای شاه درآمد ایجاد می‌کند. به مدد نفت اطراف قلعه‌های واقع در سرحدات دیار عجم با ازبکستان، هندوستان، عراق، کردستان، گرجستان، داغستان آل عثمان چراغان می‌گردد. به هنگام حمله به دشمن نیز لحاف‌ها و اشیای کهنه‌ای را آغشته به نفت می‌کنند و بر روی آنها می‌اندازند. نفت از جمله مهمات لازم برای شهر و قلعه است.»^۶

منابع و معادن برافروخته و مشتعل نفت و گاز باکو، زمینی‌های رونق آیین آتش‌پرستی در آن دیار را فراهم نموده بود. زکریای قزوینی، ضمن اشاره به این آتشکده‌ها، فروزان ماندن آن‌ها را، بدون مصرف زغال و چوب، از عجائب روزگار برمی‌شمارد.^۷ بعدها، بر همگان آشکار

- ۱ محمد امین سیاح (۱۲۹۵)، *استانبولند آسیای وسطی به سیاحت*، استانبول: فرق انبار مطبعه‌سی، صص ۲۷-۲۸.
- ۲ Ајдын Мәммәдов (1969), *чографи адлар сирри*, Бакы: Азәрбајҹан дөвләт нәшријаты, с9.
- ۳ ابواسحق ابراهیم اصطخری (۱۳۷۳)، *ممالک و مسالک*، ترجمه‌ی محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار، ص ۱۹۴.
- ۴ ابوالحسن علی مسعودی (۱۳۷۴)، *مروج الذهب ومعادن الجواهر*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر مرکز، ص ۱۸۱؛ ابوالحسن علی مسعودی (۱۳۶۵)، *التنبیه و الاشراف*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۵۸.
- ۵ *حدود العالم من المشرق الی المغرب* (۱۳۴۰)، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران، ص ۱۶۳.
- ۶ محمد ظلی ابن درویش اولیا چلبی (۱۳۱۴)، *اولیا چلبی سیاحتنامه‌سی*، ج ۲، استانبول: احمد جودت، ص ۳۰۳.
- ۷ زکریا بن محمد قزوینی (۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه‌ی جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ص ۵۷۱.

گشت که رمز جاودانی آتش آتشفشان‌های باکو، به سبب بهره‌مندی آن از منابع سرشار نفت و گاز این منطقه بوده است.

استخراج و استحصال نفت باکو از گذشته‌های دور تا سده ۱۹ میلادی روند نسبتاً کندی طی می‌کرد. اما در این دوره در اثر خودکار شدن دستگاه‌ها و ابزار آلات استخراج نفت و سیاست‌های تسهیلی و تشویقی دولت روسیه تزاری، ناگهان صنایع نفت باکو متحول گردید و به دنبال آن، روزگار عظمت و بزرگی این بندرگاه غرب دریای مازندران آغاز شد. روس‌ها انحصار دولتی سرمایه‌گذاری در صنایع نفت را لغو نمودند، و به دنبال این تصمیم، سرمایه‌گذاران خصوصی نیز امکان فعالیت در آن را یافتند.^۱

پیشرفت صنایع نفت باکو چنان سریع و شتاب‌زده بود که به قول «عادل‌خان زیادخان» - فعال سیاسی جمهوری آذربایجان در سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ میلادی - پیشینیان این شهر، حتی در خواب نیز نمی‌توانستند شاهد چنین وضعیتی باشند.^۲

سومین موهبتی که شرایط جغرافیایی بر شهر باکو تحمیل کرد، زلزله‌هایی بود که بر شماخی، مرکز ولایت شیروان، نازل می‌شد. بعد از استیلای روس‌ها بر منطقه‌ی قفقاز، تمامی خانات این منطقه، بجز خانات باکو و گنجه، ابقا گشتند. به نظر می‌رسد خطرات تلخ روس‌ها در این دو خان نشین مسلمان، کشته شدن سبسیانوف در باکو و مقاومت جانانه‌ی جواد خان زیاداوغلی در گنجه، باعث این تصمیم قهرآمیز روس‌ها شده بود.^۳ روس‌ها بعد از انحلال نظام اداری سنتی خانات، در سال ۱۸۴۶ میلادی، چهار گوبرنیای^۴ تفلیس، کوتای، شماخی و دربند را، در منطقه‌ی قفقاز تأسیس نمودند و بار دیگر باکو مورد بی‌توجهی آن‌ها قرار گرفت. اما زلزله‌ی شماخی و ویرانی این شهر در سال ۱۸۵۹ میلادی آنان را مجبور به تغییر مرکزیت این گوبرنیا از شماخی به باکو کرد.^۵ نیم قرن بعد، در سال ۱۹۰۲ میلادی زمین‌لرزه‌ی دیگری در

۱ مناف سلیمانوف (۱۳۸۵)، باکو شهر نفت و موسیقی، ترجمه‌ی صمد سرداری‌نیا، تبریز: اختر، صص ۲۰۵، ۲۰۴؛ بروگش هینریش (۱۳۷۴)، در سرزمین آفتاب: دومین سفرنامه‌ی هینریش بروگش، ترجمه‌ی مجید جلیلود، تهران: مرکز، ص ۳۷؛ ایران، نمره‌ی ۹، رمضان ۱۳۹۶ ه.ق.

۲ عادل خان زیادخان (۱۹۱۹)، آذربایجان حقیقه تاریخی، ادبی و سیاسی معلومات، باکو: حکومت مطبوعه‌سی، صص ۱۲-۱۴.

۳ عباسقلی آقا باکیخانوف (۱۳۸۲)، گلستان ارم، تهران: وزارت امور خارجه، ص ۲۴۱؛ علی پورصفر (۱۳۷۷)، حکومت‌های محلی قفقاز در عصر قاجار، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، صص ۱۰۰-۱۵۶.

۴ در تقسیمات روسیه‌ی تزاری هر ایالت را «گوبرنیا» یا «قبرونیا» می‌گفتند، که تحت نظر «گوبرناتور» یا «قبور ناتور» اداره می‌شد. رک: سیدحسین تقی‌زاده (۱۳۷۷)، زندگی طوفانی، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی، ص ۱۳.

۵ تادیوش سویتوخوفسکی (۱۳۸۱)، آذربایجان روسیه، شکل‌گیری هویت ملی در یک جامعه‌ی مسلمان، ترجمه‌ی کاظم فیروزمند، تهران: شادگان، صص ۲۴-۲۶.

شماخی به وقوع پیوست،^۱ تا عظمت و بزرگی تختگاه شیروان شاهان^۲ برای همیشه به فراموشی سپرده شود و شهرت و اعتبار باکو، بیش از پیش نمایان گردد.

ظهور طبقه‌ی میلیونرهای نفتی

پیشرفت در صنعت استخراج و استحصال نفت، سیاست‌های تشویقی و تسهیلی دولت روسیه، و افزایش میزان کاربرد فرآورده‌های نفتی در جهان بر اثر پیشرفت‌های فنی، موجب اهمیت یافتن بیش از پیش باکو در سده‌ی ۱۹ میلادی شد و سیل سوداگران نفتی را روانه‌ی این منطقه نمود.

در سال ۱۸۷۱ م / ۱۲۸۸ ه.ق، برای نخستین بار حفر چاه با اصول فنی جدید در بالاخانی، واقع در شمال شرقی باکو، صورت پذیرفت و روزانه ۴۵ هزار پوت (۷۰۰ تن) نفت از آن به دست آمد. از آن پس، حفاری دستی چاه جایش را به اصول حفاری کوبه‌ای داد. بدین ترتیب، رفته رفته تعداد چاه‌های حفر شده و ژرفای آن‌ها افزایش یافت. باکو در اوایل سده‌ی ۲۰ میلادی به یک شهر کاملاً صنعتی تبدیل شد که در آن تعداد کثیری سرمایه‌گذار، کارگر، چاه، انبار و کارخانه‌ی تهیه‌ی فرآورده‌های نفتی وجود داشت.^۳

در هر فوران ناگهانی چاه‌های نفت باکو، هزاران تن نفت به دست می‌آمد. هنگامی که فوران پر فشار بود، نفت مثل رودخانه جاری می‌شد و به خانه‌ها و طولیله‌های روستاها و قصبه‌های نزدیک فشار می‌آورد و آن‌ها را تخریب می‌کرد. سیل نفت، چاه‌ها و تعمیرگاه‌های معادن هم جوار را فرا می‌گرفت و ساختمان‌ها و اداره‌های پیرامون را ویران می‌نمود. در چنین سرزمین نفت‌خیزی، فرد عادی و گم‌نامی مانند حاج زین‌العابدین تقی‌اف، به طور ناگهانی، به یک میلیونر نفتی مبدل شد.^۴

۱ زلزله‌ی پر قدرتی در ۱ ژانویه‌ی سال ۱۹۰۲ م / ۴ ذی القعدة‌ی سال ۱۳۱۹ ه.ق، شیروان را لرزاند. این زمین‌لرزه خسارات فراوانی به شماخی، مرکز شیروان، و تعدادی از روستاهای منطقه وارد کرد. بر اساس آمار اولیه، در اثر این حادثه بیش از ۲ هزار و ۲۰۰ نفر جان باختند و ۱۵۶۱ خانواده بی‌خانمان شدند. ر.ک: کمال، ش ۱۹ و ۲۰، ۱۵ ذی‌الحجه‌ی ۱۳۱۹ ه.ق؛ مظفری، نمره ۱۶، ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۰ ه.ق.

۲ سابقه‌ی عنوان شیروان شاه و یا شروان شاه به دوره‌ی ساسانیان می‌رسد. سلسله‌ی اسلامی شاهان عرب شیروان، با یزید بن مزید آغاز گردید که قلمرو وسیع حکم رانی او شامل ارمنیه، شمال غربی ایران و مشرق ماورای قفقاز و ناحیه‌ی شیروان می‌شد. از اوایل سده‌ی چهارم هجری قمری، شیروان شاهان پایتخت خود را در یزیدیه، که احتمال دارد همان شماخی زمان‌های قدیم‌تر باشد، قرار دادند. سلسله‌ی نخست حکم رانان محلی شیروان در دوره‌ی فتوحات تیمور به پایان رسید و دوره‌ی دوم این سلسله از سده‌ی دهم هجری قمری، تا ظهور صفویان استمرار یافت. ر.ک: ادmond کلیفورد باسورث (۱۳۸۱)، سلسله‌های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، صص ۲۸۲، ۲۸۳.

۳ مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۱۹)، اولین سفر مظفرالدین شاه به فرنگستان، تهران: مطبعه‌ی مبارکه‌ی شاهنشاهی، صص ۲۳۴.

۴ هینریش، همان، صص ۴۱؛ سلیمانوف، همان، صص ۲۱۲.

معادن نفت باکو، دولت روسیه را به یکی از قدرت‌های بزرگ نفتی جهان در آن روزگار مبدل ساخت. در آمارهای اواخر سده ۱۹ میلادی و اوایل سده ۲۰ میلادی، روسیه و امریکا معمولاً در صدر جدول بزرگ‌ترین تولیدکننده‌های نفت جهان قرار دارند.^۱

ورود سرمایه‌ی خارجی به صنعت نفت باکو، با صاحبان صنایع سوئد، برادران «نوبل»، آغاز شد.^۲ پس از آن‌ها، خانواده‌ی پارسی «روچیلد»، شرکت تجاری - صنعتی «خزر- دریای سیاه» را تشکیل دادند. در آخرین سال‌های سده ۱۹ میلادی شش شرکت انگلیسی، سه شرکت فرانسوی، دو شرکت آلمانی، دو شرکت بلژیکی و یک شرکت یونانی، در صنایع نفت باکو مشغول کار شدند.^۳

ظرفیت‌های فراوان اقتصادی باکو و مرکزیت اداری آن، به زودی موجب ظهور طبقه‌ی جدیدی از ثروتمندان شد که به «میلیونرها» یا «میلیان‌چی‌ها» مشهور گشتند. این میلیونرها در جبهه‌ی اول، یک نفت - خدا بودند،^۴ که ثروت کلان نفت خود را در دیگر زمینه‌ها، چون تجارت، شیلات، کشتی‌رانی و ...، به کار می‌بردند.

روزنامه‌ی مظفری در اوایل سده ۲۰ میلادی، این چنین مختصر به شرح روایت میلیونرهای باکو می‌پردازد: «تجار بادکوبه اغلب صاحب چاه نفت و کشتی به اصطلاح خودشان «میلیان‌چی» هستند. امثال جناب حاجی زین‌العابدین آقا تقی‌یوف و حاجی شیخ‌علی و حاجی بابا و حاجی آقا و امثالها».^۵

برای تکمیل این فهرست، می‌بایست نام مردان متمول دیگری چون موسی تقی‌اف، مرتضی مختاراف، سید میر بابایف، و سلیم‌اف بینه‌قدیلی را نیز ذکر کرد. اینان همان کسانی بودند که با

۱ ناصری، نمره‌ی ۱۷، ۱ ربیع‌الثانی ۱۳۱۵ ه.ق.؛ چهرنما، ش ۱۱، ۱ محرم ۱۳۲۴ ه.ق.

Ronald Grigor Suny (1975), "Labor and Liquidators: Revolutionaries and the "Reaction" in Baku, May 1908 - April 1912", *Jstor*, Vol. 34, No. 2, p.320.

2 Brita Asbrink (2002), "The Nobels in Baku: Swedes' Role in Baku's First Oil Boom", *Azerbaijan International*, 10.2, p.12.

۳ سویتوخوفسکی، همان ص ۳۲.

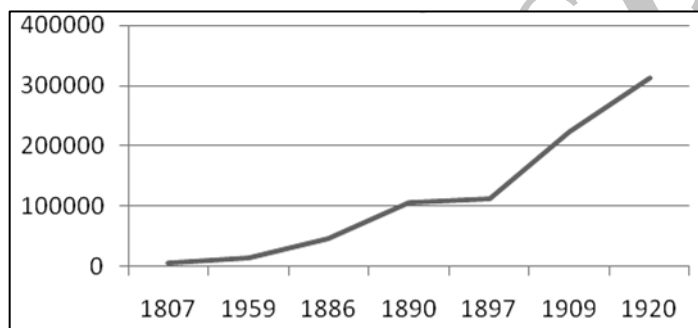
۴ در *حبل‌المتین* در خصوص جایگاه صنعت نفت در ظهور میلیونرها می‌خوانیم: «معدن طلا و نقره و روی و پلاتین و مس و آهن و زغال و یا هر معدن دیگر که تا حال کشف و اخراج آن‌ها بسیار از فقرا و بی‌مایگان را در جرگه‌ی صاحبان میلیونی درآورده، درحالتی که آنها را با این معدن نفت بسنجیم، همگی در درجه‌ی دوم و پست‌تر می‌مانند. زیرا ارض و زمین‌هایی که در آنها نفت است، پس از کشف، همین که به معدن رسید و چاه‌ها حفر شد، دیگر طبیعت به اجرای کار پرداخته و پشت سر هم نفت را مانند سیل جاری می‌سازد و ثروت هم، همان طور مانند آب روان پشت سر هم می‌آید». رک: *حبل‌المتین*، ش ۲۷، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۰ ه.ق.

۵ مظفری، نمره‌ی ۴۵، ۱۵ شعبان ۱۳۲۱ ه.ق.

کنش تاریخی خود، روند توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی شهر باکو را سرعت بخشیدند.^۱

دگرگونی‌های جمعیتی در باکو

با گسترش صنایع نفتی در باکو، رفته رفته بر وسعت این شهر افزوده شد. این در حالی بود که تراکم جمعیتی نیز در این شهر افزایش پیدا می‌کرد. جمعیت باکو در سال ۱۸۰۷ میلادی ۴۵۰۰ نفر بود؛ این رقم در سال ۱۸۵۹ میلادی به ۱۳۰۰۰ نفر، در سال ۱۸۸۶ میلادی به ۴۵۰۰۰ نفر، در سال ۱۸۹۰ میلادی به ۱۰۵۰۰ نفر، در سال ۱۸۹۷ میلادی به ۱۱۱۹۰۰ نفر، در سال ۱۹۰۹ میلادی به ۲۲۲۷۰۰ نفر و سرانجام در سال ۱۹۲۰ میلادی به ۳۱۲۷۰۰ نفر صعود کرد.^۲



رشد جمعیت باکو

اواخر سده‌ی ۱۹ و اوایل سده‌ی ۲۰ میلادی

وسعت یافتن باکو و افزایش چشم‌گیر جمعیت آن و ارتباط این دو جریان با توسعه‌ی صنایع نفتی شهر، امری کاملاً بدیهی بود که هر کس با اندکی تأمل می‌توانست به آن پی ببرد. برای مثال، سهام‌الدوله‌ی بجنوردی به هنگام عبور از باکو در سال ۱۳۱۹ ه‍.ق، بدین موضوع اشاره می‌کند: «در آن زمان [دوره‌ی سلطنت فتحعلی شاه] این شهر [بادکوبه] چندان آبادی نداشت. الآن که سنه‌ی یکهزار و سیصد و نوزده هجری است، نسبت به سابق به متتها درجه‌ی آبادی رسیده که محل تمجید است. خاصه از وقتی که مهندسین «ژیولوژ» معدن نفت [را که] چون گنج روان است در بادکوبه کشف نموده‌اند و مشغول کار شده‌اند».^۳

۱ سلیمانوف، همان، صص ۳۰۸، ۳۴۶، ۳۵۹، ۳۶۹.

2 Azərbaycan xalq cümhuriyyəti ensiklopediyası (2004), c1, Bakı: Lider nəşriyyatı, s 193.

۳ یارمحمد خان سهام‌الدوله (۱۲۷۴)، سفرنامه‌های سهام‌الدوله بجنوردی، به کوشش قدرت الله‌روشنی زعفرانلو، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۱۵۹.

باید در نظر داشت که پیشرفت و توسعه‌ی صنایع نفت، یکی از عوامل افزایش جمعیت شهر باکو و البته مهم‌ترین عامل محسوب می‌گردد.

باکو در نیمه‌ی دوم قرن ۱۹ میلادی، مرکز گوبرنیای باکو تلقی می‌شد و این مرکزیت اداری، رونق شهر و به تبع آن افزایش جمعیت آن را در پی داشت. پس جمعی از کارگزاران دولتی روس و بسیاری از اهالی منطقه‌ی قفقاز به این مرکز مهم اداری مهاجرت نمودند.^۱

باکو از دیرباز یکی از مرکزهای مهم تجاری و ترانزیتی در غرب دریای مازندران محسوب می‌گشت. در این دوره که ایران بیش‌ترین روابط تجاری را با دولت روسیه تزاری داشت، بخش قابل توجهی از این رابطه از طریق راه آبی انزلی - باکو صورت می‌گرفت.^۲ دائماً چندین فروند کشتی در این مسیر رفت و آمد می‌کردند و به جا به جایی مسافر و کالا می‌پرداختند. در اواخر سده‌ی ۱۹ و اوایل سده‌ی ۲۰ میلادی، علاوه بر مسافران اروپا که از انزلی به باکو و از آن جا به وسیله‌ی خطوط ریلی عازم روسیه و اروپا می‌شدند، مردم نواحی شمال غرب ایران، نیز برای رفتن به خراسان و تهران، مسیر امن باکو - انزلی را انتخاب می‌کردند. از این رو، باکو بندرگاه تجاری بسیار شلوغی بود و جذابیت فراوانی برای تاجران نواحی مختلف جهان، خصوصاً ایران و روسیه، داشت. خانواده‌ی تجارت پیشه‌ی تومانیان، از ارامنه‌ی ایران، نمونه‌ی بارز این دسته از مهاجران به باکو هستند.^۳

آمار جمعیت گوبرنیای باکو مربوط به سال ۱۹۱۷ میلادی، به خوبی ترکیب قومی گوبرنیا و شهر باکو را مشخص می‌کند. بر اساس داده‌های تقویم قفقاز، در این سال، ۷۴۶/۸۷۵ نفر در گوبرنیای باکو زندگی می‌کردند. مسلمانان (به اضافه‌ی مهاجران مسلمانی که از ایران به آن جا مهاجرت نموده‌اند) که اغلب از قوم آذری بودند، با ۵۷۴/۶۹۲ نفر، ۷۹/۰۸ درصد، روس‌ها با ۷۲/۶۳۵ نفر، ۸/۳ درصد و ارامنه با ۴۲/۲۰۷ نفر، ۴/۸ درصد این جمعیت را تشکیل می‌دادند.^۴ شمس‌الدین سامی نیز اکثریت جمعیت شهر و گوبرنیای باکو را مسلمانان شیعه معرفی

1 Azərbaycan xalq cümhuriyyəti ensiklopediyası, s 209- 215.

۲ روس‌ها که از اهمیت تجاری بندر باکو به خوبی آگاهی داشتند، سال‌ها پیش از انعقاد عهدنامه‌ی گلستان، فرمان تأسیس گمرک خانه‌ی باکو را صادر نمودند. براساس فرمان ۲۶ ژانویه (۹ فوریه) ۱۸۰۷م، امپراتور الکساندر اول، بر لزوم تأسیس این گمرک خانه و قرار گرفتن آن تحت دایره‌ی گمرک خانه‌ی بندر هشترخان (آستاراخان)، تأکید شد. رک: Cümşüd Nuriyev (2009), *Azərbaycan gömrük tarixi*, Bakı, s6.

۳ مظفرالدین شاه، ۱۳۱۹، ص ۲۳۲.

4 Azərbaycan xalq cümhuriyyəti ensiklopediyası, s 225.

می‌کند و از زندگی اقلیت‌های ارمنی، یهودی^۱ و زرتشتی در آن‌جا خبر می‌دهد.^۲ حضور ایرانیان در گورنیا و خصوصاً شهر باکو به قدری بارز و گسترده بود که از دهه‌ی ۷۰ سده‌ی ۱۹ میلادی کنسول‌گری ایران در این شهر تأسیس گشت؛ این در حالی بود که تفلیس مرکز ناحیه‌ی قفقاز تلقی می‌گشت. فعالیت‌های این کنسول‌گری بعد از انقلاب ۱۹۱۷ میلادی روسیه، و در دوران جمهوری دموکراتیک آذربایجان (۱۹۱۸ - ۱۹۲۰م) به عنوان سفارت، ارتقا پیدا کرد.^۳

بیش‌ترین ایرانیان ساکن باکو را قشر کارگر (دائمی و یا فصلی) و بازرگان تشکیل می‌دادند. دسته‌ی نخست که پرجمعیت‌تر نیز بودند، بر اثر اوضاع بد اقتصادی ایران و فقر عمومی کشور، تنها برای تأمین معاش روزمره‌ی خود و خانواده‌هایشان به باکو رفته بودند و در کارخانجات (بیش‌تر صنایع نفت) این شهر صنعتی فعالیت می‌کردند. دسته‌ی دوم نیز سوداگران متمولی بودند که برای سود بیشتر بازرگانی، این بندر مهم و استراتژیک را برگزیده بودند. ایرانیان به قدری با اهالی اکثر مسلمان باکو آمیخته شده بودند که در درگیری‌های ارمنی-مسلمان سال ۱۹۰۵ میلادی در باکو، از سوی ارمنه چون مسلمانان بومی این شهر، دشمن انگاشته شدند و مورد ظلم و تعدی قرار گرفتند.^۴

در زمان حکومت تزارها همه چیز در باکو به نفع اقلیت مسیحی روس و ارمنی تمام می‌شد. روس‌ها از قدرت یافتن مسلمانان در این شهر صنعتی در حال پیشرفت می‌هراسیدند، پس در راستای تضعیف مسلمانان و تقویت مسیحیان آن‌جا، اقدامات چشم‌گیری صورت پذیرفت. تأسیس کلیسا در این شهر اسلامی، از جمله‌ی این اقدامات بود. برای نمونه، شخص تزار الکساندر سوم، به منظور تأسیس کلیسای الکساندر و نئوسکی (قیزیل‌لی) در سال ۱۸۸۸ میلادی، در باکو حضور یافت و به زودی بنای معظم این معبد مسیحی سر به فلک کشید.^۵ پس از چندی، قوانین تبعیض آمیزی در خصوص دوما‌ی شهر باکو نیز به کار بسته شد، که

۱ علاوه بر یهودیان بومی، تعداد قابل توجهی از یهودیان در همین دوره از ایران، روسیه و اروپا در این منطقه سکنا گزیدند. با این مهاجرت‌ها، بر جمعیت یهودیان در قفقاز شرقی افزوده شد. این اقلیت مذهبی، توانستند یک کرسی نخستین پارلمان جمهوری آذربایجان (دسامبر ۱۹۱۸م) از آن خود کنند. برای اطلاعات بیشتر تر رک: سجاد حسینی (۱۳۸۶)، «یهودیان جمهوری آذربایجان»، *بولتن برنامه‌ی اوراسیای مرکزی*، س ۳، ص ۹، ۲۰.

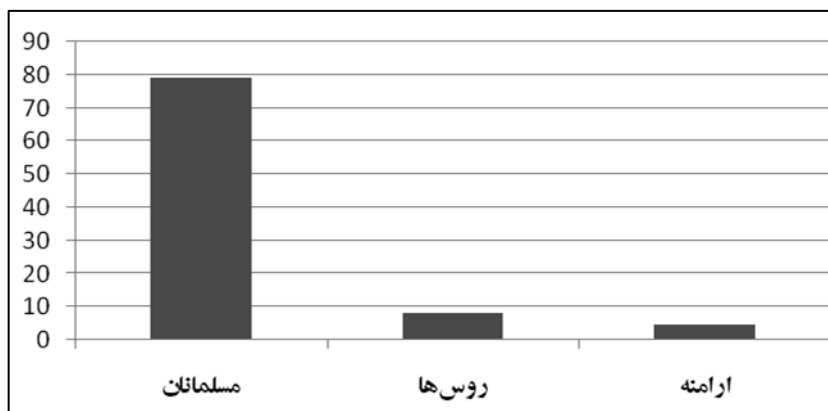
۲ شمس‌الدین سامی (۱۳۰۶). *قاموس الاعلام*، ج ۲، استانبول: مهران مطبعه‌سی، ص ۱۲۰۵.

3 Azərbaycan xalq cümhuriyyəti ensiklopediyası, s 46.

۴ چهره نما، شماره ۳، ۱۰ رمضان ۱۳۲۳ هـ.ق. ۱۷/ اکتبر ۱۹۰۵م.

۵ سلیمانوف، ص ۷۷، ۷۸.

بر اساس آن، مسلمانان این شهر مسلمان‌نشین حق نداشتند که بیش از نصف کرسی‌های دوما را در اختیار بگیرند. از این رو، مسیحیان رفته رفته در دومای شهری قدرت گرفتند. آن‌ها در سال ۱۹۰۰ میلادی نصف کرسی‌های دوما را تصاحب نمودند. این در حالی بود که آن‌ها در سال ۱۸۹۲ میلادی تنها یک سوم این کرسی‌ها را در اختیار داشتند.^۱



ترکیب قومی گوبرنیای باکو
سال ۱۹۱۷ م

مسیحیان، خصوصاً ارمنه، با برخورداری از حمایت‌های دولت تزاری، کم‌کم نبض اقتصادی شهر را نیز در دست گرفتند. مسلمانان در مزایده‌ی میدان‌های نفتی در ۱۸۷۲ میلادی، سهم ناچیز ۵ درصد را به خود اختصاص دادند و سهم سرمایه‌گذاران ارمنی در این مورد تقریباً ۱۰ برابر بیشتر بود. از مجموع ۱۶۷ شرکت نفتی باکو، مسلمانان ۴۹ شرکت و اکثر شرکت‌های کوچک را در دست داشتند؛ در حالی که خانواده‌های توان‌گر ارمنی میرزایف‌ها، مایل‌اف‌ها، لیازن‌اف‌ها، آرامیان‌ها، تاوتسیان‌ها و ماتناشیان‌ها ۵۵ درصد شرکت‌های بزرگ و متوسط را زیر نظر داشتند. در سال ۱۹۰۰ میلادی از ۱۱۵ شرکت صنعتی که در گوبرنیای باکو فعال بودند، ۲۹ درصد به ارمنه و ۱۸ درصد به مسلمانان تعلق داشت. چنین ناهم‌آهنگی‌هایی در عرصه‌ی نیروی کار هم دیده می‌شد. ارمنه که ۱۷/۵ درصد کل کارگران باکو را تشکیل می‌داد، ۲۵ درصد مشاغل بسیار مهارتی را در اختیار داشتند؛ در حالی که مسلمانان اکثریت

1 Azərbaycan xalq cümhuriyyəti ensiklopediyası, s 234.

عظیم (بیش از ۷۰ درصد) کارگران غیرماهر و کم‌مزد را تشکیل می‌دادند.^۱ تمامی این تحولات، بر میزان تکثر قومی و مذهبی و تضادهای موجود در بین اقوام مسلمان و مسیحی منطقه دامن می‌زد و زمینه را برای بحران‌های آینده‌ی باکو و کل قفقاز فراهم می‌ساخت.

درگیری‌های قومی و مذهبی در باکو

دگرگونی‌های جمعیتی و قومی بعد از «انقلاب نفتی» در باکو، باعث به وجود آمدن تضادهای طبقاتی و قومی فراوانی در این شهر شد. یکی از نمودهای این تضاد، اختلافاتی بود که به درگیری‌های ارمنی-مسلمان معروف گشت. حقیقت امر این است که تفاوت مذهبی بین این دو قوم همسایه، در برخی از برهه‌های تاریخی، باعث شکل‌گیری اختلاف در میان آن‌ها شده است. با همه‌ی این‌ها، بسیاری از مسلمانان و ارمنه‌ی اندیشمند و روشن‌فکر در اواخر سده‌ی ۱۹ و اوایل سده‌ی ۲۰ میلادی عقیده‌ی دیگری داشتند. آن‌ها معتقد بودند دو قوم همسایه، در تمام ادوار تاریخ، زندگی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند و تنها دخالت‌های روس‌ها موجب به وجود آمدن دشمنی بین آن دو شده است.^۲ اگرچه روس‌ها بعد از قرارداد ترکمانچای در سال ۱۲۴۳ هـ.ق / ۱۸۲۸م، ایالت‌های شمال رود ارس را از ایران جدا نمودند، اما پیوستگی‌ها و مشترکات فرهنگی، مذهبی و تاریخی میان ایران و مردم آن مناطق، در دراز مدت سبب شکنندگی سلطه‌ی روس‌ها بر آن جا شد، به گونه‌ای که روس‌ها برای حل این مشکل در گام نخست در صدد حذف مظاهر فرهنگ ایرانی-اسلامی مسلمانان قفقاز برآمدند و در این راستا مذهب شیعه و زبان فارسی مورد حمله‌ی نویسندگان و محافل وابسته به روسیه قرار گرفت؛ چنان که شاید بتوان «اسلام ستیزی» آخوندزاده و نبرد وی را با مظاهر فرهنگ اسلامی هم در این روند تحلیل نمود.^۳ گام بعدی دولت روسیه برای تسلط بر قفقاز و محو استیلای فرهنگی ایران، ایجاد درگیری‌های قومی-مذهبی میان ارمنه و مسلمانان در این منطقه بود؛ اگرچه ارمنه در این میان همواره از حمایت رسمی و غیر رسمی دولت تزاری برخوردار بودند. البته، تأثیرات قومیت‌گرایی (ناسیونالیسم قومی) را نیز، که در دوره‌ی مورد بررسی ما در سرتاسر جهان رشد

۱ سویتوخوفسکی، همان، ص ۵۱.

۲ Багрова, Ирада (2000). "из истории и деятельности партии Дифан в Азербайджан", "Azərbaycan tarixinin çağdaş problemləri, Bakı: Xəzər Universiteti, c73 – 164.

۳ در مورد عقاید آخوندزاده، رک: فریدون آدمیت. (۱۳۴۹). اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: خوارزمی.

یافت، نباید نادیده گرفت. در قفقاز، ابتدا ارامنه در قالب «دانشاکسیون» متشکل شدند و زمانی که ایشان بر مسلمانان آذری قفقاز تاختند، ناسیونالیسم قومی در بین این قوم نیز ظهور کرد و در قالب گروه‌ها و احزاب مختلفی چون «دفاعی» و «مساوات» جلوه‌گر شد. هر اندازه جامعه‌ی باکو گسترش می‌یافت و بر میزان دانش و آگاهی ساکنان آن افزوده می‌شد، به همان میزان تضادهای قومی و مذهبی نیز افزایش پیدا می‌کرد. در واقع، می‌توان چنین تحلیل کرد که جامعه‌ی باکو از همان دوره‌ی توسعه‌ی صنایع نفت و افزایش تعداد اقلیت‌های غیر مسلمان، آستان چنین تضادهای خشونت باری بود. این تضادها در گذر زمان افزایش یافت و سرانجام مانند آتش زیر خاکستر سر بر آورد و حوادث دهشتناک سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۱۸ میلادی را پدیدار ساخت.

تحركات طبقه‌ی کارگر باکو

باکو در سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی شهری کاملاً صنعتی محسوب می‌گشت، که اصلی‌ترین نمود آن، صنایع نفت بود. ثروت به دست آمده از این صنعت، نه تنها بر وسعت و جمعیت این شهر افزود، بلکه زمینه را برای توسعه‌ی سایر صنایع فراهم ساخت. در این بین، طبقه‌ی میلیونرهای تازه به عرصه رسیدی باکو نقش بسزایی ایفا نمودند. گویا آن‌ها خود را در قبال سرنوشت شهرشان مسئول می‌پنداشتند و توسعه‌ی هر چه بیش تر سایر صنایع در این شهر و ایجاد اشتغال برای کارگران آن را وظیفه‌ی خود می‌دانستند. حیات اقتصادی «حاج زین‌العابدین تقی‌اف»^۲، نمونه‌ی بارزی از این نوع حس مسئولیت است. وی، بعد از چندی فعالیت مستمر در صنعت نفت، در سال ۱۸۹۶ م/ ۱۳۱۳ هـ.ق، شرکت نفتی خود را به قیمت ۵ میلیون منات فروخت و تنها ۲۰ درصد از سهام آن را برای خود نگه داشت. این عمل تقی‌اف تعجب همگان

۱ روزنامه‌ی مظفری اوضاع باکورا در جریان درگیری‌های ارمنی-مسلمان سال ۱۹۰۵ م/ ۱۳۲۳ هـ.ق، چنین گزارش می‌کند: «[بادکوبه]، چه شهری اودای خاموشان و کهنه قبرستان. چاه و معدن و ادارات نفت سیاه و سفید تمام خاکستر شده. الی امروز معادل سیصد کرور روبل به دولت و تجار مسلمانان و ارامنه و ایرانیان ضرر وارد شده. هر قدر ادارات و اموال مسلمین را ارامنه دست یافته‌اند، آتش زده‌اند. کذلک هر قدر از ارامنه به دست مسلمین افتاده آتش درافکنده و با خاک یکسان نموده. جمع کثیری هم از طرفین به خاک هلاکت درافتاده‌اند». ر.ک: مظفری، ش ۲۲، ۱ شوال ۱۳۲۳ هـ.ق.

۲ دامنه‌ی خدمات حاج زین‌العابدین تقی‌اف تمامی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ی قفقاز، مسلمان‌نشین‌های روسیه، ایران و عثمانی را در بر می‌گرفت. وی نمونه‌ی استثنایی یک نخیه‌ی اقتصادی بود که در عرصه‌های غیراقتصادی نیز دخالت کرد و زمینه‌ی بسیاری از تغییرات و تحولات را فراهم ساخت. ر.ک: سجاد حسینی (۱۳۷۸)، «زندگی و زمانه‌ی حاج زین‌العابدین تقی‌اف»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، صص: ۲۰۳، ۲۰۲.

را برانگیخت، چرا که گفته می‌شد قیمت واقعی این شرکت خیلی بیش تر از ۵ میلیون منات بوده است و برخی حتی قیمت آن را تا ۲۰ میلیون منات برآورد می‌کردند. بسیاری عقیده داشتند که تقی‌اف غبن و ضرر فاحشی متحمل گشته است.^۱

تقی‌اف پس از آن، اقدام به تأسیس کارخانه‌ی نساجی کرد. منابع از امکان اشتغال‌زایی کارخانه‌ی نساجی برای تعداد کثیری کارگر سخن به میان می‌آورند. این تعداد از ۶ هزار تا ۱۲ هزار نفر در نوسان است.^۲ به هر حال، زمین‌های اشتغال در این کارخانه به قدری بالا بود که حاج حسین تقی‌اف، مدیر کارخانه، مجبور شد برای جذب نیروی کار به شهرهای تاتارنشین آستاراخان و قازان برود و حدود ۲ هزار نفر کارگر تاتار مسلمان را جذب کند و با خود به باکو بیاورد.^۳

بدین ترتیب تأثیرات ثانویه‌ی صنایع نفتی در حیات اجتماعی شهر باکو هویدا گردید. ثروت نفت در اختیار یکی از برجسته‌ترین نمایندگان طبقه‌ی نوظهور میلیونرهای نفتی قرار گرفت و این ثروت، نه در راستای منافع شخصی، بلکه در راستای خدمت به جامعه به کار گرفته شد. کارخانجات نساجی با ظرفیت بالای اشتغال‌زایی ایجاد گشت و مشکل بی‌کاری از شهر باکو رخت بر بست.^۴ در این میان، تمامی دگرگونی‌ها به نفع مسلمانان رقم می‌خورد. نخست این که، جمعیت بی‌کار اکثراً مسلمان شهر، صاحب شغل شدند و دوم آن که با مهاجرت مسلمانان تاتار به باکو، درصد جمعیت مسلمانان نسبت به مسیحیان شهر افزایش پیدا کرد. بدین ترتیب، باکو به شهری کاملاً صنعتی با جمعیتی اکثراً کارگر تبدیل شد. شاکله‌ی صنعتی و کارگری شهر، آن را برای تشکیل احزاب سوسیالیستی و وقوع بسیاری از شورش‌ها و اعتصابات و انقلاب‌های کارگری مستعد می‌ساخت.

اعتصاب‌های کارگران صنعت نفت باکو، از جمله‌ی نخستین اعتصاب‌های کارگری در منطقه‌ی قفقاز به شمار می‌آید. این اعتصاب‌ها در سال ۱۸۸۱ میلادی با شور و حرارت بالایی پدیدار گشت. اعتراض‌ها به دلیل زندانی شدن ۷۵ نفر کارگر از ۱۴ آوریل آغاز شد. کارگران

1 نهریمان نهریمانوف (1993), *Гачы Зејналабдин Тағыјевин алли иллик мәшиәт вә чәмәртә хидмәтләри*, Гачы Зејналабдин Тағыјев, Бақы: Азәрбајчан нәшријаты, с19; Ахунд Јусиф Талибадә (1993), *сәрвәт вә сәхавәтлә мәшиһур чәнаб Гачы Зејналабдин Тағыјевин тәрчүмәји-һалы*, Гачы Зејналабдин Тағыјев, Бақы: Азәрбајчан нәшријаты, с45; Түрјан Әзизов (1997), *Азәрбајчан XX әсрин әвәлләриндә*, Бақы: заман, с75.

۲ ناصری، نمره‌ی ۱۳، صفر ۱۳۱۶ هـ.؛ حیل‌المتمین، ش ۳۲، ۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۰ هـ.

۳ چهره‌نما، ش ۶، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ هـ.

۴ مظفری، نمره‌ی ۱۰۴۶، ۱ رمضان ۱۳۲۱ هـ.

خشمگین برای آزادی همکاران خود به پا خاستند. این اعتراض‌ها تا چهار روز ادامه یافت و نهایتاً با دخالت نیروهای نظامی پایان پذیرفت. در ۱۶ سپتامبر سال ۱۸۸۲ میلادی نیز، کارگران صنایع نفتی برادران نوبل در اعتراض به پرداخت نشدن معوقه‌های خویش، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب نتیجه داد و آن‌ها به زودی به خواسته‌های خود رسیدند.^۱

در اواخر سال ۱۹۰۴م/ ۱۳۲۲ ه‍.ق، در بین کارگران صنعت نفت باکو حال و هوای انقلابی به میزان بالایی افزایش یافت. عامل اصلی این وضعیت، نامساعد گشتن اوضاع اقتصادی و معیشتی کارگران بود. در ۳ دسامبر/ ۲۵ رمضان همان سال، کارگران اعتصاب‌های خود را آغاز کردند و این اعتصاب‌ها تمامی معادن نفت را در بر گرفت. سرانجام، در ۳۰ دسامبر/ ۲۲ شوال، معاهده‌ی مشترک کارگران به امضا رسید. این نخستین پیروزی کارگران باکو در برابر صنایع نفتی و تزاریسیم محسوب می‌شد.^۲

باکو با برخورداری از چنین ظرفیتی در سال ۱۹۰۴ میلادی به خاستگاه حزب همّت مبدل گشت. همّت به کمیته‌ی حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه در باکو وابسته بود و تحت جناح بلشویکی این حزب قرار داشت. حزب مذکور در شورای نمایندگان کارگران باکو و همچنین در اتحادیه‌ی کارگران نفت، نمایندگان داشت.^۳

شعارهای سیاسی - اجتماعی « مرگ بر استبداد»، «زنده باد سوسیالیسم»، «زنده باد آزادی»، «۸ ساعت کار در روز»، «دست‌مزدها اضافه باید گردد»، در سال‌های آغازین سده‌ی ۲۰ میلادی مکرراً از شهر صنعتی باکو به گوش می‌رسید و هر بار تحت فشار و تضییق دولت تزاری برای مدتی خاموش می‌شد.^۴ بدین ترتیب، بخشی از جمعیت کارگری شهر باکو که توسط روشن فکران سوسیالیست هدایت می‌شدند، زمینه را برای تشکیل «کنفرانس کارگری باکو» آماده ساختند. این کنفرانس در ۱۵ دسامبر سال ۱۹۱۸ میلادی ایجاد شد و از آن پس به سازمان‌دهی تمامی اعتصابات کارگری پرداخت. ثمره‌ی این جنبش کارگری به یاری توپ و تانک‌های روسی در سال ۱۹۲۰ میلادی به بار نشست و در این سال باکو و تمامی قفقاز، در تحت حکومت بلشویکی شوروی قرار گرفت.^۵

1 Azərbaycan tarixi (2007), c4, məsul redaktor: Mehdi İslamov, Bakı: Elm, s 342, 343.

2 A. H. Балајев (1993), *Азәрбајҹан тарихи ән гәдим дөврләрдән XX әсрин әвәләринә гәдәр*, Бакы: Елм, с229.

۳ ژانت آفاری (۱۳۷۹)، *انقلاب مشروطه‌ی ایران*، ترجمه‌ی رضا رضایی، تهران: بیستون، ص ۱۱۴.

۴ سلیمانوف، همان ص ۵۰.

۵ عادل خان زیاد خان (۱۳۸۱)، *طیران قلم*، تهران: وزارت امور خارجه، ص ۱۲.

البته تحولات سیاسی- اجتماعی شهر باکو، تنها در قالب این شهر باقی نماند و به زودی به آن سوی ارس نیز رخنه کرد. باکو شهری بود که افکار و اندیشه‌های نوین اوایل سده بیستم میلادی را بومی می‌کرد و به سرعت به ایران صادر می‌نمود. مهاجران ایرانی و مطبوعات شهر باکو، ارتباط میان این شهر و ایران عهد قاجار را برقرار می‌نمودند. مهاجران ایرانی از جنس کارگران و بازرگانان، همواره بین ایران و باکو در حال رفت و آمد بودند و در این آمد و شدها، افکار و اندیشه‌های بسیاری رد و بدل می‌شد. کارگران ایرانی، ضمن کار با کارگران روسی، آذری، ارمنی و گرجی، با اندیشه‌های انترناسیونال کارگری و مبارزه‌ی بی‌امان برضد بهره‌کشی آشنا شدند. مراکز صنعتی قفقاز و خصوصاً شهر باکو، همان مدرسه‌ای بود که کارگران و بازرگانان ایرانی نخستین تجربه‌های مبارزاتی خود را در آنجا آموختند. این کارگران، پس از بازگشت به میهن، پیش قراول جنبش دموکراتیک علیه قدرت شاه و سرمایه‌ی خارجی بودند.^۱

مطبوعات حوزه‌ی قفقاز به سهولت در آن سوی مرزهای روسیه و در سرزمین ایران پخش می‌شدند و رخدادهای مسلمان‌نشین‌های شمال ارس را به گوش ایرانیان می‌رساندند. افزون بر این، مطبوعات ایرانی هم معمولاً مخبرانی در منطقه‌ی قفقاز و خصوصاً شهر باکو داشتند و تحولات این سامان را با دقت هر چه تمام گزارش می‌دادند.

تأثیرات دگرگونی‌ها و تحولات جاری در روسیه و خصوصاً شهر باکو بر ایران، به قدری بود که بسیاری از پژوهندگان، انقلاب مشروطه‌ی ایران را تداوم انقلاب ۱۹۰۵ میلادی روسیه می‌دانند. فرقه‌ی اجتماعیون - عامیون سازمان سوسیال دموکرات‌های ایرانی هم در سال ۱۹۰۵ میلادی در باکو شکل گرفت و در سال‌های بعد به صورت بسیار تأثیرگذاری عمل کرد. در قفقاز در دوره‌ی انقلاب مشروطه، نشریه‌ها و شعرهایی به فارسی انتشار می‌یافت و در آن‌ها قهرمانی‌های مشروطه‌خواهان ستوده می‌شد. بعد از مدتی کمیته‌ی اجتماعیون - عامیون در شهرهای ایران فعالیت خود را آغاز کرد. در دوره‌ی استبداد صغیر، در جریان مبارزه‌های مردم تبریز با محمدعلی شاه، باز قفقازی‌ها نقش کلیدی ایفا نمودند.^۲

۱ گ.س. آروتونیان (۱۳۸۵)، انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۵ ایران و بلشویک‌های ماورای قفقاز، ترجمه‌ی محمد نایب‌پور، تهران: مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی، صص ۳۵، ۳۶، ۳۷.

۲ آقاری، همان، صص ۶۲، ۶۱؛ فریدون آدمیت (۱۳۵۴)، فکرموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران: پیام، صص ۱۳-۴۵.

نتیجه

تأثیرات ثروت حاصل از کشف و استخراج نفت، تنها در بخش اقتصاد باقی نماند و به زودی تمامی ابعاد جامعه‌ی آن روزگار باکو را فرا گرفت. یکی از نتایج حاصل از این ثروت کلان، ظهور طبقه‌ی میلیونرهای نفتی بود. اینان نفت - خدایانی بودند که در مدت کوتاهی با حفر چاه و دستیابی به منابع عظیم نفت باکو، ثروت خیره کننده‌ای به چنگ آورده بودند. در این بین، مسلمانان میلیونر بخش قابل ملاحظه‌ای از ثروت خود را در راه توسعه و پیشرفت جامعه‌ی مسلمانان باکو به کار گرفتند. این حضور پررنگ، نمودی از فقدان توجه دولت مسیحی روسیه‌ی تزاری به جامعه‌ی مسلمانان بود. متمولان مسلمان با مشاهده‌ی چنین وضعی خود وارد عمل شدند. این خدمات در رقابت با مسیحیان همسایه، رقیب و گاه دشمن، که از سوی دولت نیز حمایت می‌شدند، دو چندان می‌گشت.

صنعت نفت، همچنین باعث تغییرات چشم‌گیری در جمعیت باکو شد. با توسعه‌ی صنایع نفت، سیل سرمایه‌گذاران و کارگران از سرتاسر دنیا به سوی باکو جاری گردید. بدین ترتیب، جمعیت شهر به گونه‌ی چشم‌گیری افزایش پیدا کرد و تضادهای قومی و مذهبی در آن تشدید شد و زمینه‌ی بالا گرفتن اغتشاشات ارمنی - مسلمان سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۱۸ میلادی فراهم آمد. چندی بعد، طبقه‌ی کارگر مشغول کار در صنایع نفت، بر خواسته‌های صنفی خویش تأکید ورزیدند و در چندین کارخانه و کارگاه استخراج و استحصال نفت، اعتصاب‌هایی به پا کردند. سپس، اعتراض‌های کارگری شکل منسجم‌تری به خود گرفت و کارگران خواسته‌های خود را در قالب تشکلهای کارگری مطرح نمودند. همه‌ی این‌ها، مقدمه‌ی ظهور جنبش‌های کارگری، سوسیالیستی و سرانجام بلشویکی در این شهر بود.

بدین ترتیب، باکودر اثر ثروت به دست آمده از نفت، در اواخر سده‌ی ۱۹ و اوایل سده‌ی ۲۰ میلادی، یکی از پویاترین دوره‌های تاریخ اجتماعی و اقتصادی خود را سپری نمود و خاستگاه بسیاری از حرکت‌ها، دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی و اقتصادی شد، و بر تحولات ایران، به‌ویژه انقلاب مشروطه، تأثیری بارز به‌جا نهاد.

منابع

الف. کتابهای فارسی

- آدمیت، فریدون (۱۳۴۹)، اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: خوارزمی.
- ---- (۱۳۵۴). فکرمودوکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران: پیام.
- آروتونیان، گ.س (۱۳۸۵)، انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۵ ایران و باشویک‌های ماورای قفقاز، ترجمه‌ی محمد نایب‌پور، تهران: مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۹)، انقلاب مشروطه‌ی ایران، ترجمه‌ی رضا رضایی، تهران: بیستون.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۷۳)، ممالک و مسالک، ترجمه‌ی محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار.
- باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۸۱)، سلسله‌های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- باکیخانوف، عباسقلی آقا (۱۳۸۲)، گلستان ارم، تهران: وزارت امور خارجه.
- پورصفر، علی (۱۳۷۷)، حکومت‌های محلی قفقاز در عصر قاجار، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۷۷)، زندگی طوفانی، به کوشش: ایرج افشار، تهران: علمی.
- حدودالعالم من المشرق الی المغرب (۱۳۴۰)، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران.
- سلیمانوف، مناف (۱۳۸۵)، باکو شهر نفت و موسیقی، ترجمه‌ی صمد سرداری‌نیا، تبریز: اختر.
- سویتوخوفسکی، نادبوش (۱۳۸۱)، آذربایجان روسیه، شکل‌گیری هویت ملی در یک جامعه‌ی مسلمان، ترجمه‌ی کاظم فیروزمند، تهران: شادگان.
- سهام‌الدوله، یار محمد خان (۱۳۷۴)، سفرنامه‌های سهام‌الدوله بجنوردی، به کوشش قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران: علمی و فرهنگی.
- قاجار، مظفرالدین شاه (۱۳۱۹)، اولین سفر مظفرالدین شاه به فرنگستان، تهران: مطبعه‌ی مبارکه‌ی شاهنشاهی.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه‌ی جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- مسعودی، ابوالحسن علی (۱۳۶۵)، التنبیه و الاشراف، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- ---- (۱۳۷۴)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر مرکز.
- هینریش، بروگش (۱۳۷۴)، در سرزمین آفتاب: دومین سفرنامه‌ی هینریش بروگش، ترجمه‌ی مجید جلیوند، تهران: مرکز.

ب. کتابهای غیر فارسی

- اولیا چلبی، محمد ظلی ابن درویش (۱۳۱۴)، اولیا چلبی سیاحتنامه‌سی، ج ۲، استانبول: احمد جودت.

- زیادخان، عادل خان (۱۹۱۹)، آذربایجان حقیقده تاریخی، ادبی و سیاسی معلومات، باکو: حکومت مطبعه‌سی.
- سامی، شمس‌الدین (۱۳۰۶)، قاموس الاعلام، ج ۲، استانبول: مهران مطبعه‌سی.
- سیاح، محمد امین (۱۲۹۵)، استانبولدن آسیای وسطی یه سیاحت، استانبول: قرق انبار مطبعه‌سی.
- *Azərbaycan xalq cümhuriyyəti ensiklopediyası* (2004), c1, Bakı: Lider nəşriyyatı.
- *Azərbaycan tarixi* (2007), c4, məsul redaktor, Mehdi İslamov, Bakı: Elm.
- Балајев, А.Г. (1993), *Азәрбајҹан тарихи ән гәдим дөврләрдән ХХ әсрин әввәлләринә гәдәр*, Бақы: Елм.
- Мәммәдов, Ајдын (1969), *ҹоғрафи адлар сурри*, Бақы: Азәрбајҹан дөвләт нәшријаты.
- Nuriyev, Cümşüd, (2009), *Azərbaycan gömrük tarixi*, Bakı.
- Нәриманов, Нәриман (1993), *Ғачы Зејналабдин Тағыјевин әлли иллик мәшиәт вә чәмәәтә хидмәтләри*, Ғачы Зејналабдин Тағыјев, Бақы: Азәрбајҹан нәшријаты.
- Талибзадә, Ахунд Јусиф (1993), *сәрвәт вә сәхавәтлә мәшһур чәнаб Ғачы Зејналабдин Тағыјевин тәрчүмеји-һалы*, Ғачы Зејналабдин Тағыјев, Бақы: Азәрбајҹан нәшријаты.
- *Китаби-һимәм әр-ричал тәглә әл-чибал* (1993), Бақы: Азәрбајҹан нәшријаты.
- Өзизов, Түрјан (1997), *Азәрбајҹан ХХ әсрин әввәлләриндә*, Бақы: заман.

ج. نشریه‌ها

- ایران، شماره ۳۹۴.
- چهره نما، شماره‌های ۳، ۶ و ۱۱.
- حبل المتین، شماره‌های ۳۲ و ۳۷.
- منظری، شماره‌های ۱۶، ۲۲، ۲۳، ۴۵ و ۴۶.
- ناصری، شماره‌های ۱۳ و ۱۷.

د. مقاله‌ها

- حسینیی، سجاد (۱۳۸۶)، «یهودیان جمهوری آذربایجان»، *بولتن برنامہ‌ی اوراسیای مرکزی*، س ۳، ش ۹.
- Grigor Suny, Ronald (1975), "Labor and Liquidators: Revolutionaries and the "Reaction" in Baku, May 1908 – April 1912", *Jstor*, Vol. 34, No. 2.
- Asbrink, Brita (2002), "The Nobels in Baku : Swedes' Role in Baku's First Oil Boom", *Azerbaijan International*.

ه. پایان‌نامه

- حسینیی، سجاد (۱۳۷۸)، «زندگی و زمانه‌ی حاج زین‌العابدین تقی‌اف» *پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.